

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

باستان‌گرایی واژگانی در اشعار قیصر امین‌پور

دکتر جهانگیر صفری^۱

امین بنی‌طالبی^۲

بهنام گرجی^۳

چکیده

ادبیات مقاومت به‌عنوان یک نوع ادبی، پیشینه‌ای دیرینه دارد و از زمان پیدایش ادبیات، دوشادوش آن حرکت کرده‌است. در میان شاعران برجسته این نوع ادبی در ایران، قیصر امین‌پور جایگاهی ویژه دارد و زبان شعری این شاعر متمایز از زبان شعری معاصرانش است که دلیل این تمایز، توجه و تمرکز او بر جنبه‌های مختلف زبان و به‌خصوص مقوله باستان‌گرایی در شعر است. «آرکائیسیم» یا باستان‌گرایی، نشان‌دهنده گرایش شاعران به صرف و نحو کهن در زبان شعر و بازتاب آن در سطح واژگان و ساختارهای نحوی است. در این پژوهش به سطح واژگانی (اسم، صفت، قید، فعل، حرف) باستان‌گرایی در مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور پرداخته شده‌است که در این بررسی هم کارکرد و انگیزه انتخاب واژگان کهن و هم ساختمان این واژگان مورد توجه قرار گرفته‌است. هدف این پژوهش، روشن ساختن کارکرد و ساختار واژگان کهن مورد استفاده این شاعر و چگونگی ارتباط میان زبان و دیدگاه وی در اشعارش است. نتایج به‌دست آمده با استفاده از روش توصیفی و کتابخانه‌ای و تحلیل بیت‌ها و آمارگیری، بیان‌کننده این است که شاعر در گزینش واژگان کهن خود غالباً جنبه‌های حماسی، عرفانی، موسیقایی، بلاغی و شاعرانه را مورد توجه قرار داده و زبان امروزی را با الگوهای کهن تطبیق داده‌است.

واژه‌های کلیدی: باستان‌گرایی واژگانی، ادبیات مقاومت، برجسته‌سازی، قیصر امین‌پور

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد (نویسنده مسئول) aminbanitalebi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد

۱- مقدمه

باستان‌گرایی در شعر معاصر به گونه‌ای است که می‌توان آن را جریانی به حساب آورد که بر زبان همه شاعران و نویسندگان تأثیرگذار بود و می‌توان نیما را آغازگر این جریان عمومی دانست. از رهنمون‌های نیما درباره زبان شعر، اشاره‌ای است که او به مواد خام یا همان متون کهن می‌کند: «باید در بین هزاران کلمات آرکائیک که کهنه شده‌اند، کلمات ملایم و مأنوس با سبک خود را به دست بیاورید. این است که به شما توصیه می‌کنم از مطالعه دقیق در اشعار قدما غفلت نداشته باشید.» (یوشیج، ۱۳۶۳: ۷۲) از سویی دیگر، کاربرد همین واژه‌ها در کنار کلمات امروزی و عامیانه سبب شده‌است که امین‌پور از تلفیق کلمات کهن و معاصر، کلامی رنگین و فاخر و هماهنگ ایجاد کند تا خواننده احساس غرابت نکند. شفیع‌ی کدکنی در این زمینه معتقد است: «اینکه زبان شعر همیشه زبانی ممتاز از زبان کوچه و بازار بوده‌است، یکی از علل آن، همین اصل باستان‌گرایی است. احیای واژه‌هایی که در دسترس عامه نیست، سبب تشخیص زبان می‌شود.» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۴) برای نمونه، امین‌پور در شعر «شب در رسید و قصه ما هم به سر رسید» علاوه بر استفاده از فعل کهن «در رسید»، در کنار آن از فعل عامیانه و امروزی «به سر رسید» نیز استفاده کرده‌است. البته شایان ذکر است که «صرف کاربرد واژه‌های کهن، نمی‌تواند به اثری، صورت آرکائیسیم دهد. نحوه پیوند و کنار هم قرار گرفتن آنها، ارتباط معنایی و فرااستادن ساختار عبارت‌ها از سطح یک ساخت نحوی معمولی و گفتاری، در ارائه یک هیئت آرکائیسیمی، اعتبار و اهمیت ویژه‌ای دارد» (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۳۱۱) و به گفته لیچ، شاعر در گزینش واژگان قدیمی باید «سه اصل نقشمندی، جهت‌مندی و غایت‌مندی را رعایت نماید.» (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۸) در غیر این صورت، آشفستگی زبان و پیچیدگی و درهم‌ریختگی عناصر شعر را سبب می‌شود.

۱-۱- بیان مسئله

قیصر امین‌پور که از شاعران برجسته ادبیات مقاومت محسوب می‌شود، با توجهی آگاهانه به باستان‌گرایی و زبانی محکم و پرمایه، آن را در جهت توصیف لحظه‌های باشکوه شهادت، اعتراض و فریاد در برابر جنایت‌ها و رفاه‌زدگی و بی‌هویتی و ریاکاری، ترغیب رزمندگان و اندیشه رفیع و ظلم‌ستیز خود در شعر به کار گرفته‌است؛ به‌خصوص که او از شاعران آغازین جنگ و دهه‌های بعدی آن به‌شمار می‌رود. این توجه هنری به گذشته، از یک سو شعر شاعر را از فرورفتن در ورطه شعارزدگی افراطی و جوش و خروش‌های سطحی نجات می‌دهد و از سویی دیگر، موجب برجستگی زبان و آشنایی‌زدایی سخن او از دیگران می‌شود. بنابراین، در این پژوهش در پی پاسخ به این مسئله هستیم که چه عواملی در باستان‌گرایی شاعر و نمود برجسته آن در اشعارش مؤثر هستند و امین‌پور در گزینش و چینش انواع واژگان کهن خود چه نگرش و دیدگاهی را دنبال می‌کرده و تا چه اندازه به آن روی آورده‌است و آیا در این زمینه توانسته تناسبی بین موضوع شعری و باستان‌گرایی خود برقرار کند؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه انواع هنجار‌گرایی و آشنایی‌زدایی، از جمله هنجار‌گرایی زمانی یا باستان‌گرایی، آثار و مقاله‌های بسیار متعددی نگاشته شده‌است؛ اما آثار برجسته‌ای که در آنها توجه خاصی به انگیزه‌ها و کارکردهای واژگان کهن شده باشد، اندک است و یا چندان چشمگیر نیست. از جمله آثار در این زمینه عبارت‌اند از: «کهن‌گرایی واژگانی در شعر اخوان» (صهبا، ۱۳۸۴: ۶۴-۴۱)، «بازتاب باستان‌گرایی در اشعار نیمایی اخوان ثالث» (مدرسی و احمدوند، ۱۳۸۴: ۷۲-۴۵)، «زبان و کاربردهای باستان‌گرایانه در اشعار مهدی اخوان ثالث» (احمدپور، ۱۳۸۷: ۹۸-۸۷)، «باستان‌گرایی واژگانی در شعرهای آزاد نیما و خاستگاه‌های آن» (محمدنژاد عالی‌زمینی، ۱۳۹۰: ۸۹-۱۱۴)، «رویکردی صورت‌گرایانه به شعر قیصر از منظر هنجار‌گرایی» (بهمنی‌مطلق و رهایی، ۱۳۹۰: ۲۸-۷).

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

باستان‌گرایی دو مزیت برای شاعران معاصر داشته‌است؛ اول آنکه اگر با مهارت و آگاهانه استفاده شود، موجب آشنایی‌زدایی و برجستگی ادبی کلام می‌شود و از سویی دیگر، بار عاطفی و موسیقایی و اسطوره‌ای نهفته در واژگان کهن به شاعران معاصر کمک می‌کند تا فراخور اندیشه و خواهش ذهنی خود سخن گویند و از الگوهای تکراری در مضمون‌سازی و تصویرآفرینی رها شوند و به تشخص سبکی برسند؛ از این رو، برای سبک‌شناس کاربردهای برجسته، معنادار و نقشمند واژگان کهن در متن، وی را در شناخت هرچه بهتر اندیشه و زبان شاعر یا نویسنده یاری می‌رساند.

۲- بحث

در این پژوهش در گام نخست به علل کهن‌گرایی امین‌پور در شعرش نگاهی کوتاه می‌شود؛ سپس، باستان‌گرایی واژگانی، در اقسام خود از جمله اسم، فعل، صفت، قید و حرف همراه با انگیزه‌ها و بسامدشان مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در نهایت، این مقاله به این نکته می‌پردازد که امین‌پور تا چه اندازه از پشتوانه فرهنگی پیش از خود بهره‌جسته و در نحوه کاربرد واژگان کهن تا چه اندازه دلبستگی داشته‌است و چه ارتباطی بین درونمایه‌های انقلابی و مقاومتی اشعار او با عناصر و نمودهای کهن به‌ویژه عناصر حماسی وجود دارد.

۲-۱- علل کهن‌گرایی امین‌پور

قبل از پرداختن به انگیزه‌های امین‌پور در گزینش واژگان قدیمی از عللی که می‌تواند در باستان‌گرایی شاعر و روی آوردن او به زبان و عناصر گذشته نقش داشته باشد، به صورت خلاصه به چند عنوان اشاره می‌شود:

۲-۱-۱- شخصیت زبانی شاعر

شخصیت هر شاعر با زبان او رابطه‌ای مستقیم دارد. اغلب هم‌نسلان و دوستان امین‌پور وی را فردی متین و متعادل در اندیشه و کردار و گفتار می‌دانستند که جلوه‌های آن در کاربرد قالب

سنتی و نو در کنار هم و توجه به زبان کهن و عامیانه و هنجارگریزی‌ها و قاعده‌مندی‌ها منعکس شده‌است؛ همان‌طور که در کتاب شعر امروز آمده‌است: «وی شعر سنتی و نو را در کنار هم پیش برده و پیوسته تعادلی در استفاده از آنها داشته‌است.» (باقری، ۱۳۷۹: ۶۳) بنابراین، در زمینه گرایش به زبان کهن هم نوعی تعادل در اشعار امین‌پور وجود دارد.

۲- ۱- ۲- اندیشه و درونمایه

دردواژه‌های امین‌پور سراسر شکوه‌هایی از سر درد است که با زبانی حماسی و باشکوه بیان می‌شوند و این زبان باشکوه کاملاً با درونمایه آن تناسب دارد. بیان موضوعاتی چون: توصیف جان‌باختگان و شهدا و جنایت‌های دشمن، ترسیم چهره مردم رنج‌دیده، دعوت به بیداری و پایداری، ستایش وطن و امید به پیروزی، اعتراض به بی‌دردی و بی‌هویتی و ریاکاری و... نیازمند طرح اسطوره‌ها و مفاخر ملی و پرداختن به گذشته‌هاست که با زبانی حماسی و باشکوه بیان شوند و رسیدن به این هدف، در توجه ویژه به باستان‌گرایی در زبان شعر محقق می‌شود.

۲- ۱- ۳- موسیقی

موسیقی نیز در کنار زبان از دغدغه‌های مهم شاعران معاصر از جمله امین‌پور است و همین تلازم موسیقی و زبان سبب می‌شود که این شاعر، اشعار خود را در زبانی آهنگین جست‌وجو کند و به سمت منبع غنی متون کهن که سرشار از این ماده خام است، گرایش پیدا کند. از سوی دیگر، رعایت جنبه موسیقایی شعر، به‌خصوص در سطح رعایت دقیق مایه‌های عروضی پیشنهادی نیما و موسیقی ناشی از قافیه و توجه به موازین قافیه‌پردازی و اطناب و تفسیر ناشی از توجه به این مسائل، خود زبان و بیان کهن را ایجاب می‌کند.

۲- ۱- ۴- گسترش دایره واژگانی

امین‌پور در کنار آشنایی با زبان و فرهنگ توده مردم و کاربرد واژگان و ترکیبات امروزی از زبان و به‌ویژه واژگان و ساختار نحوی کهن استفاده چشم‌گیری می‌کند و به مدد امکانات نهفته در زبان پارسی میان واژه‌ها و ساخت‌های کهنه زبان و واژه‌های نو چنان پیوندی برقرار می‌سازد

که واژه‌ها و ساختار کهن تغییر ماهیت دهند و هنری شوند و واژه‌های امروزی به زبان شعر برسند. اغلب واژگان کلیدی اشعار امین‌پور حالتی دوگانه دارند؛ یعنی هم در معنای کهن با کلیت شعر همخوان‌اند و هم در معنای امروزی و رایج خود با شعر سازگارند.

۲-۱-۵- نوستالژی

علاوه بر موارد یادشده، می‌توان گفت کهن‌گرایی از جنبه نوستالژی و اندوه‌یاد نیز قابل بررسی است؛ زیرا «در نگرش شماری از صاحب‌نظران ادبی، باستان‌گرایی نیز جلوه‌ای از نوستالژی است.» (عالی، ۱۳۷۸: ۱۵۷) «باستان‌گرایی در صورتی به ساختن فضای نوستالژیکی می‌انجامد که در زمینه‌ای دل‌تنگ بنشیند؛ به عبارت دیگر، تمایل به کاربرد الفاظ کهن، اگر با لحن حسرت‌آمیز نویسنده و شاعر همراه نباشد، تنها متن را از نظر سبکی قابل توجه می‌کند.» (کلاهیجان، ۱۳۸۶: ۲۱) بنابراین، گذشته‌گرایی در حوزه معنا، بخش بزرگی از شعر معاصر بعد از جنگ را شامل می‌شود و بخشی از اشعار امین‌پور نیز که بعد از جنگ و بعد از آرام‌شدن نسبی اوضاع ایران سروده شده‌است، دارای این گذشته‌گرایی است. «در سال‌های پس از جنگ، امین‌پور نیز از جمله شاعرانی است که به حوزه سوگ‌سرود و یادکرد گذشته وارد می‌شود» (محمدی‌روزبهبانی، ۱۳۸۹: ۴۶) و سبب شده‌است که شاعر «در شرایط دشوار دوری از وضعیت مطلوب و آرمانی، میل به بازگشت به گذشته و یا آرزوی آینده‌ای سرشار از خوشبختی را در وجود خویش احساس نماید و هم از این رو، برای آرامش‌بخشی به درون پر آشوب خویش به خلق آثاری با درونمایه نوستالژیکی دست‌یازد.» (داد، ۱۳۷۵: ۴۳)

۲-۲- باستان‌گرایی در واژگان امین‌پور

۲-۲-۱- اسم

دستگاه واژگانی امین‌پور با ورود عناصر واژگانی جدید نسبت به شاعران قبل از خود (دوره‌های قبل شعر فارسی) تغییر پیدا می‌کند و یکی از محسوس‌ترین نمودهای آن، در کاربرد واژه‌ها و اسامی شعر مقاومت است. «با تغییر در نوع نگرش شاعران این جریان، در نوع‌گزینش آنها از

واژه‌ها و اصطلاحات زبان، در زبان نیز تغییر ایجاد شد. بی‌شک شاعری که شعر را سلاحی برای مبارزه و معارضة با دشمن می‌انگارد و انقلاب و جنبش مسلحانه را یگانه راه نجات می‌داند به واژه‌هایی ویژه‌ای نیز برای سخن گفتن از عواطف و عقاید خود نیازمند است؛ واژه‌هایی که باید نشان‌دهندهٔ خشم و عصیان او باشند، واژه‌هایی خشن و حماسی که مظلومیت او را فریاد زند. (پورجافی، ۱۳۸۷: ۳۴۶)

۲-۱-۱- انگیزه و کارکرد اسم‌های امین‌پور

- حماسه

درفش: «در گوششان کلام امام است / فتوای استقامت و ایثار / بر دوششان **درفش** قیام است» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۸۸)

یل (پهلوان): «بر این زین خالی **یلی** چون تو باید / من آن دل ندارم، چه دردی! چه دردی!» (همان: ۳۹۸)

علاوه بر مثال‌های ذکر شده، اسم‌های حماسی دیگری چون: **گرده** (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۰۲)، **دشنه** و **خنجر** (همان: ۳۱۴)، **خیل** (همان: ۱۵۶)، **دورباش‌ها** و **کورباش‌ها** (همان: ۵۸)، **تازیانه** (همان: ۸۲)، **کاکل پرچم** (همان: ۲۱۴)، **طلایه‌دار** (همان: ۴۱۹)، **زین** (همان: ۱۱۹)، **شمشیر** (همان: ۲۴۶) و... در اشعار امین‌پور به کار رفته‌است که با توجه به درونمایهٔ شعر مقاومت نسبت به سایر واژگان کهن از برجستگی بالایی در اشعار امین‌پور برخوردارند؛ زیرا هرگاه که ما این واژه‌ها را با واژه‌های کهن دیگری همچون «طنین، آدینه، گنجینه و...» مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که این اسم‌ها اغلب به جهت ضرورت قافیه کاربرد یافته‌اند و هرگاه این ضرورت برطرف شده‌است، امین‌پور از اسم‌های امروزی که همان مفهوم را دارند، استفاده می‌کند.

- عرفان

غلامرضا کافی دربارهٔ آمیختگی بین عرفان و حماسه در شعر مقاومت می‌گوید: «غزل با شعر دفاع مقدّس و شعر جنگ به اوج رسید؛ یعنی غزل امروز قوی‌تر از غزل مشروطه است و این به

دلیل حماسه و عرفان موجود در جنگ بود.» (کافی، ۱۳۸۹: ۸۶) از اسم‌های عرفانی به کاررفته در اشعار امین‌پور به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

صوفی، درویش، خرقه، کشکول: «امروز هم / ما هر چه بوده‌ایم، همانیم / ما **صوفیان** ساده سرگردان / **درویش**‌های گمشده دوره گرد / حتی درون خانه خود هم / مهمانیم / اما کجاست / **خرقه و کشکول** ما» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

اسم‌های دیگری همچون: نی و دف و سماع (همان: ۹۱)، خانقاه (همان: ۶۸)، حرمان (همان: ۴۸)، دستار (همان: ۳۷۷)، جام و ساقی (همان: ۹۱) و... در اشعار امین‌پور به کار رفته‌است. این قبیل اسم‌های عرفانی نمود بالایی در اشعار امین‌پور دارند و باید دانست که این آمیختگی واژگان عرفانی در ادب مقاومت شیوه‌ای «عرفانی-حماسی» ایجاد کرده‌است و کارکرد متفاوتی با نمونه‌های خود در سایر اشعار عارفانه کهن دارد که البته در آثار عرفانی مولوی نیز این امر دیده می‌شود.

- موسیقی و آوا

اسم‌های کهن امین‌پور از لحاظ کارکرد موسیقایی و آوایی نیز حایز اهمیت است که این موضوع در قالب تکرار، واج‌آرایی و جناس قابل بررسی است. تکرار در شعر امین‌پور از عواملی است که سبب پویایی سخن او شده‌است و می‌توان آن را از مشخصه‌های مهم شعر او دانست. امین‌پور از تکرار برای تأکید، برجسته‌سازی و ماندگاری شعر در ذهن مخاطب در زبانی ادیبانه و زیبا استفاده می‌کند. برای مثال، امین‌پور در این چند بیت با تکرار اسم کهن «جمال» هم به برجسته‌سازی زبان پرداخته‌است و هم به افزایش سطح موسیقایی و آوایی کلام:

ای اهل نظر **جمال** اگر این است / در حیرت آینه سفر این است / زایدۀ چشم ماست
زیبایی؟ / یعنی که **جمال** در نظر این است؟ / یا چشم خود از **جمال** می‌زاید / معنای بصیرت
و بصر این است؟ (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۷۶)

در این اشعار، امین‌پور با حالتی متحیرانه به تکرار واژگان «جمال» و «چشم و بصر و نظر» می‌پردازد تا بین زیبایی و چشم و از طرفی زیبایی معنوی و الهی و زیبایی دنیایی ارتباط ایجاد کند و همچنین، تناسب آوایی را بین واج‌های (ز-ظ) در این اشعار به وجود آورد. توجه امین‌پور به صنعت واج‌آرایی و نغمه حروف، سبب طنطنه کلام و انتقال احساس درونی شاعر است؛ برای مثال:

«این سوی شیشه شیون باران و خشم باد / در پشت شیشه بغض گلوگیر پنجره» (همان: ۳۴۸) که در این شعر، صدای شیون و شُرشر باران با تکرار حرف «ش» ملموس و عینی شده است و شمیسا این شگرد را «صدامعنایی» نام نهاده است؛ یعنی اینکه «صداها و آواها در حمل معانی خاص نقش دارند.» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۵۷)

علاوه بر واج‌آرایی، امین‌پور در انتخاب اسم‌های کهن به انواع جناس هم نظر داشته است؛ برای مثال:

جناس تام در «نهاد»: «آنکه دستور زبان عشق را / بی گزاره در نهاد ما نهاد» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴)

- صنعت‌های بلاغی

از دلایل و انگیزه‌های دیگری که امین‌پور در انتخاب اسم‌های کهن خود به آن توجه داشته، صنایع بلاغی معنوی به‌ویژه ایهام است؛ برای مثال:

«سواد» که در این شعر معنای دورنما دارد، اما معنای سیاهی یا با توجه به واژه غبار معنای انبوهی لشکر را نیز به ذهن متبادر می‌کند: «اما / حتی سواد هر غباری نیز / در چشم من دیگر / معنای دیدار سواری نیست» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

همچنین، اسم‌های دیگری همچون: بیت (همان: ۲۸۲)، رود (همان: ۳۸۹)، بو (همان: ۱۸۵)، نای (همان: ۲۹۲)، دیدار (همان: ۲۱۶) و... این اسم‌ها معنای کهن خود را در شعر به همراه

معنای جدیدشان دارند و این نوع کاربرد ایهام سبب ایجاد تعادل و تناسب میان اجزای شعری امین‌پور شده‌است.

نوع واژه	انگیزه و کارکرد	تعداد	بسامد
اسم	حماسه	۳۴	٪ ۲۶/۹
	عرفان	۲۵	٪ ۱۹/۸
	موسیقی و آوا	۱۰	٪ ۷/۹
	صنعت بلاغی	۵۷	٪ ۴۵/۲
		۱۲۶	٪ ۱۰۰

۲-۲-۲- صفت

استفاده از صفات کهن بدون در نظر گرفتن تناسب آنها با فضای معنایی و کلمات موجود در شعر نمی‌تواند موجب استحکام و ایجاد وجهه باستان‌گرایی زبان شاعر شود؛ بنابراین، شاعر باید در انتخاب این صفات، نهایت دقت را به کار ببرد و میان صفات امروزی و قدیمی تناسب و هماهنگی لازم را ایجاد کند و به قول نیما «کسی که قدیم را خوب بفهمد، جدید را حتماً می‌فهمد.» (یوشیج، ۱۳۶۳: ۸۰)

۲-۲-۲-۱- انگیزه و کارکرد صفت‌های کهن امین‌پور

- حماسه

گران: «بار گران اسفار / بر پشت ما قطار قطار آوار» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۵۳)
 شگفت: «ای حس شکوهمند غمگین و شگفت / امروز چقدر با تو زیبا شده‌ام!» (همان: ۸۵)
 در میان صفت‌های کهن، امین‌پور به صفت «شگفت» علاقه‌ای ویژه دارد و بسامد کاربرد آن در اشعارش نسبت به دیگر صفت‌ها بیشتر است. دلیل این علاقه، در وهله نخست به ساختمان این واژه مربوط می‌شود که از معادل امروزی آن یعنی «عجیب» به مراتب حماسی‌تر است و به خاطر همین ساختمان ویژه، تعجب و حیرت مخاطب را بیشتر برمی‌انگیزد.

- عرفان

شرحہ شرحہ: «گفتند / گل‌های شرحہ شرحہ ما را / با داغ‌های کهنه مادرزاد / تشریح می‌کنند» (امین پور، ۱۳۹۰: ۳۳۱)

بی‌تمیز: «موریانه‌های بی‌تمیز / میزهای کوچک و بزرگ را / چشم بسته انتخاب می‌کنند» (همان: ۲۹۰)

- موسیقی و آوا

در میان شگردهای گوناگون موسیقایی و آوایی، امین پور توجه ویژه‌ای به سجع و واج‌آرایی در گزینش صفات کهن داشته‌است؛ برای مثال:

بین «شگرف، برف، حرف» سجع وجود دارد: «هر قطره حکایتی شگرف از لب تو / هر دانه برف حرفی از نام تو بود» (امین پور، ۱۳۹۰: ۲۳۴)

در این شعر، واج‌آرایی حروف «ش، ر، ح، ه» با توجه به صفت کهن «شرحہ شرحہ» قابل توجه‌است: «گفتند / گل‌های شرحہ شرحہ ما را / با داغ‌های کهنه مادرزاد / تشریح می‌کنند» (همان: ۳۳۱)

- شاعرانه

جنبه‌ای دیگر از صفات کهن مورد استفاده امین پور جنبه‌ای عمومی و شاعرانه دارند که غالب شاعران معاصر و کهن از آنها در توصیف‌های خود استفاده می‌کنند؛ برای مثال:

دیرینه: «خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد» (امین پور، ۱۳۹۰: ۴۰۹)

نمونه‌های دیگر، عبارت‌اند از: میان‌تهی (همان: ۹۹)، ناگزیر (همان: ۲۷۶)، دیرسال (همان: ۳۱۳)، سهل (همان: ۴۰۵)، دیرین (همان: ۴۵۸)، بی‌کران (همان: ۴۹۲) و....

نوع واژه	انگیزه و کارکرد	تعداد	بسامد
	حماسه	۸	٪ ۲۹/۶

عرفان	۳	۱۱/۱٪
موسیقی و آوا	۴	۱۴/۸٪
شاعرانه و عمومی	۱۲	۴۴/۴٪
	۲۷	۱۰۰٪

۲-۲-۳- قید

قیدهای کهن به کاررفته در اشعار امین‌پور را می‌توان در کل به قیدهای زمان، مکان، تأکید، تردید، کمیت، کیفیت و تأسف تقسیم‌بندی کرد. از میان قیدهای زمان، «دم» به معنای «لحظه» پربسامدترین قید به‌شمار می‌رود و قیدهای دیگری مثل «اینک»، «حال»، «حالی»، «دیری»، «لختی» و «هماره» در رتبه‌های بعد قرار دارند. قید کهن مکان در اشعار امین‌پور «آنک» در معنای «آنجا» است و سایر قیدهایی که مفهوم مکان دارند با شکل امروزی‌شان به کار رفته‌اند. از میان قیدهای تأکید، قید «باری» در معنای «به هر جهت» اغلب با جنبه‌ای ایهامی به کار می‌رود و نسبت به قیدهای دیگری چون «آری»، «بوک»، «مگر» از بسامد بالاتری برخوردار است. از میان قیدهای کمیت کهن «هم» در معنای لاقول و «چند» و «چون و چند» کاربرد دارند. قیدهای «چنانکه»، «آن‌چنانکه»، «چونانکه»، «چنین»، «چنان»، «این‌سان و آن‌سان» بیان‌کننده کیفیت و چگونگی هستند و قیدهای تردید کهن «گوی، گویا، گفتم» به جای معادل امروزی خود «انگار» به کار رفته‌اند و از جمله قیدهای کهن در معنای تأسف «دریغ» را می‌توان ذکر کرد.

۲-۲-۳-۱- انگیزه و کارکرد قیدهای کهن امین‌پور

- موسیقی و آوا

بین قید «یک دم» با «مردم و کردم» سجع وجود دارد: «من / سال‌های سال مردم / تا اینکه یک دم، زندگی کردم» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹)

حروف «ل، خ» که در قید «لختی» وجود دارد، در واژه‌های لبخند، خلاصه، بخند و خنده به صورت آگاهانه تکرار شده‌اند و این واج‌آرایی، برجستگی و زیبایی خاصی به بیت داده‌است:
«لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست / لختی بخند خنده گل زیباست» (همان: ۴۰۷)

– صنعت‌های بلاغی

در میان صنعت‌های بلاغی معنوی، امین‌پور در کاربرد قیدهای کهن غالباً به ایهام نظر دارد؛ برای مثال:

باری: **«باری / چه سنگین است! / با سایه‌های تار / با سایه‌های پیش پا افتاده بسیار...»**
 (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۴۶)؛ باری هم در معنای اسم «بار و حمل» و هم در معنای قید «به هر جهت» به کار رفته‌است.

– شاعرانه

از جمله قیدهای کهن که امین‌پور آنها را از گذشته به شعر معاصر خود آورده و جنبه عمومی در میان شاعران دوره پیش داشته‌است، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

هماره (همیشه): «چرا همیشه همین است آسمان و زمین؟ / زمان **هماره** همان و زمین همیشه همین؟» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۵۲). در ضمن، تکرار حرف «ه» در این شعر به وضوح آه و ناله و حسرت موجود در سینه شاعر را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند.

از جمله قیدهای شاعرانه دیگر: بوک و مگر (همان: ۱۳۴)، آری (همان: ۵۴)، دریغ (همان: ۱۸۲)، آنک (آنجا) (همان: ۴۰۲)، این سان (همان: ۳۴۵)، آن سان (همان: ۳۷۲)، دیری (همان: ۳۰۷)، گفتی (انگار) (همان: ۴۲۴) و... است.

نوع واژه	انگیزه و کارکرد	تعداد	بسامد
قید	موسیقی و آوا	۹	٪ ۱۰/۸
	صنعت بلاغی	۶	٪ ۷/۲
	شاعرانه و عمومی	۶۸	٪ ۸۱/۹

۸۳	٪ ۱۰۰
----	-------

۲-۲-۴- فعل

از آنجا که فعل یکی از مهم‌ترین اجزای جمله در زبان فارسی است، توجه به فعل و کاربرد باستان‌گرایی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اهمیت جنبه باستان‌گرایی فعل، همین بس که «عبارت‌های فاقد فعل‌هایی با ساختار کهن، هرچند ممکن است از واژگان و ساختاری سنگین برخوردار باشند؛ اما کمتر قادرند سیمای آرکائیستی خود را به تماشا نهند.» (علی‌پور،

۱۳۷۸: ۳۱۶)

۲-۲-۴-۱- انگیزه و کارکرد فعل‌های کهن امین‌پور

- حماسه

تاختن (حمله‌بردن): «از پی هر موج، سرگردان / روز و شب بیهوده می‌تازد» (امین‌پور، ۱۳۹۰:

۴۷۳)

دریدن (پاره‌کردن): «به پایش بره‌ای را سر بریدند / گلوی نازک گل را دریدند» (همان: ۴۹۲)

موسیقی و آوا

تکرار فعل «پیش آمدن» در این قسمت: «پیش بیا، پیش بیا، پیش تر / تا که بگویم غم دل بیشتر» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۴۲) نوعی کهن‌گرایی محسوب می‌شود؛ زیرا تکرار فعل از مختصات دوره سامانی است. در متن‌های پهلوی «هر جمله فعلیه دارای یک فعل خاص است و آن فعل بایستی ذکر گردد، هرچند که یک فعل مکرر شود و تکرار افعال متشابه در چند جمله متوالی عیب نبوده است. این رسم در دوره سامانیان تا قرن ششم نیز برقرار بوده و افعال شبیه به هم در آخر جمله کوچک یا بزرگ عیناً تکرار می‌شده است.» (بهار، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۵۵)

سجع میان فعل‌های «خفت و گفت»: «شهیدی که بر خاک می‌خفت / چنین در دلش گفت...» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۶). در ضمن، تکرار حرف «خ» مفهوم و تصویر درشت و حماسی بودن واژگان را سبب شده است.

جناس تام بین «باد و باد»: «لبریز نام تو باد / باد...» (همان: ۲۳۴). در ضمن، تکرار حرف «الف» سبب تداوم زمانی را که در مفهوم شعر وجود دارد، القا می‌کند.

– صنعت‌های بلاغی

بیشتر فعل‌های کهن امین‌پور جنبه کنایه‌ای دارند و او از این شگرد غالباً استفاده می‌کند؛ برای مثال:

آهنگ داشتن کنایه از قصدداشتن است: «آهنگ وداع و ترک یاری دارد / گویی که سر شگفت کاری دارد» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۴۲۳)

افعال کنایه‌ای دیگر مثل: دل برکندن (همان: ۱۵۶) کنایه از ناامیدشدن، گوی‌بردن (همان: ۳۹۸) کنایه از پیشی گرفتن و «از پای نشستن» (همان: ۴۰۲) کنایه از متوقف شدن است و... از میان همه افعال کهن مورد نظر امین‌پور، فعل ساده «دمیدن» را که با مفهوم طلوع کردن و رویدن به کار رفته است، می‌توان فعلی دانست که شاعر آن را با توجه به نوعی استعاره در فعل به کار گرفته است و عمده هدف امین‌پور در این نوع کاربرد، زیاسازی، غنای تصویری و معنایی، ایجاد جذابیت و گریز از ابتدال و روزمرگی در زبان است؛ برای مثال:

دمیدن (طلوع کردن، رویدن): «هر گل به رنگ و بوی خودش می‌دمد به باغ / من از تمام گل‌ها بوییده‌ام تو را» (همان: ۴۴)

– شاعرانه

افعالی که امین‌پور از گذشته اخذ کرده است و در استفاده از آنها به الگوهای کهن توجه دارد، عبارت‌اند از:

سودا کردن (پرداختن): «یک لحظه از نگاه تو کافی است تا دلم / سودا کند به همه جاودانه‌ها» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۵۱)

همچنین، فعل‌های دیگری چون: بودن (منتظرماندن) (همان: ۱۰)، دریغ کردن (همان: ۱۳)، بدداشتن (همان: ۱۳)، فراخواندن (همان: ۲۱)، سزیدن (همان: ۳۶۶)، فرابردن (همان: ۴۰۱)، فروماندن (همان: ۵۰۳)، در رسید (همان: ۱۷۸) و....

نوع واژه	انگیزه و کارکرد	تعداد	بسامد
فعل	حماسه	۷	٪ ۱۱/۱
	موسیقی و آوا	۵	٪ ۷/۹
	صنعت بلاغی	۱۲	٪ ۱۹
	شاعرانه و عمومی	۳۹	٪ ۶۱/۹
		۶۳	٪ ۱۰۰

۲-۲-۵- حرف

گفته می‌شود «باستان‌گرایی در حروف عبارت‌است از: سرپیچی شاعران از کاربرد حروف در معنی و مفهوم و ساختمان امروزمین و پیروی از سنت‌های قدما در کاربرد آنها، هم از جهت معنا و هم ساختار.» (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۱۷۲) درباره کهن‌گرایی در زمینه حروف در اشعار امین‌پور نکته قابل توجه این است که در اشعار او فراخور موضوع و مخاطب، در مواردی که اشعار مربوط به گروه کودک و نوجوان است (به قول پرستو، مثل چشمه مثل رود) کاربردهای کهن کاهش محسوسی دارد؛ مثلاً حرف «مثل» به جای «همچو، همچون و...» به کار می‌رود و همین کاربرد، زبان را امروزی‌تر و ساده‌تر می‌کند تا مخاطب نوجوان ارتباط بهتری با شعر برقرار کند.

۲-۲-۵-۱- انگیزه و کارکرد حرف‌های کهن امین‌پور

- موسیقی و آوا

واج‌آرایی «ه» در حرف «در هیئت» با کلمات دیگر جمله، نوعی آرامش را که در شعر نیز به آن اشاره شده‌است، القا می‌کند: «وقتی تو / در هیئت الهه الهام / آرام و بی‌صدا...» (امین‌پور،

– شاعرانه

اکثر حروف مورد استفاده امین پور، جنبه‌ای عمومی و شاعرانه در گذشته دارند که شاعر برای برقراری صلابت و طنین گذشته در شعرش از آنها استفاده کرده است؛ برای مثال:

همچون: «موج همچون بال مرغابی / گاه پایین گاه در اوج است» (امین پور، ۱۳۹۰: ۴۳۲)
 همچنین، حروف کهن دیگری مانند: چو (همان: ۳۸)، بر (همان: ۲۰۲)، همچو (همان: ۲۱۱)،
 از پی (همان: ۴۳۲)، درون در معنای در (همان: ۵۰۲) و...

نوع واژه	انگیزه و کارکرد	تعداد	بسامد
حرف	موسیقی و آوا	۵	٪ ۱۱/۶
	شاعرانه و عمومی	۳۸	٪ ۸۸/۳
		۴۳	٪ ۱۰۰

در جدول زیر، ساختمان اقسام واژگان کهن امین پور که از لحاظ انگیزه و کارکرد مورد بررسی قرار گرفتند، ذکر شده و سپس مورد تحلیل و آمارگیری قرار گرفته است.

اقسام واژه	ساختمان واژه	تعداد	بسامد
اسم	ساده	۷۱	٪ ۷۹/۷
	مشتق	۷	٪ ۷/۸
	مرکب	۱۱	٪ ۱۲/۳
		۸۹	٪ ۱۰۰
صفت	ساده	۱۳	٪ ۵۹
	مشتق	۶	٪ ۲۷/۲
	مرکب	۳	٪ ۱۳/۶
		۲۲	٪ ۱۰۰

قید	ساده	۴۲	٪ ۵۰/۶
	مشتق	۲۲	٪ ۲۶/۵
	مرکب	۱۹	٪ ۲۲/۸
		۸۳	٪ ۱۰۰
فعل	ساده	۳۱	٪ ۴۸/۴
	پیشوندی	۱۷	٪ ۲۶/۵
	مرکب	۱۰	٪ ۱۵/۶
	عبارت فعلی	۴	٪ ۶/۲
	افعال ناقص	۲	٪ ۳/۱
		۶۴	٪ ۱۰۰
حرف	ساده	۳۱	٪ ۷۲
	مرکب	۱۲	٪ ۲۸
		۴۳	٪ ۱۰۰

۳- نتیجه‌گیری

در زمینه گرایش امین‌پور به زبان کهن و باستان‌گرایی بر اساس تأثیرپذیری از شخصیت خود، نوعی تعادل وجود دارد و از طرفی بین شکوه و جلال واژگان کهن شعریش با درونمایه شعر مقاومت رابطه‌ای مستقیم و استواری برقرار است. این واژگان کهن در اشعار امین‌پور، شامل مقوله‌های اسم، صفت، قید، فعل و حرف است. شاعر در زمینه اسامی و الفاظ کهن، به ترتیب بسامد، بیشتر جنبه‌های بلاغی و حماسی و عرفانی را مد نظر داشته‌است که ساختمان واژگانی اکثر آنها ساده است؛ واژه‌هایی که باید در عین هنرمندانه و شاعرانه بودن، خشم و عصیان شاعر را در برابر ظلم و ظالم اعلام دارند و در زمینه صفات کهن، شاعر بیشتر جنبه زیبایی و حماسی

آنها را در نظر داشته‌است و به‌ویژه به صفت حماسی «شگفت» دل‌بستگی خاصی نشان می‌دهد و ساختمان واژگانی غالب صفات کهن او نیز ساده و سپس مشتق است. در زمینه قیدهای کهن، جنبه شاعرانه و آوایی آنها مدّ نظر بوده‌است که این تکرارهای آوایی، آگاهانه و همراه با بیان احساس است و ساختمان واژگانی مسلط بر آنها ساده است. در زمینه افعال کهن، جنبه شاعرانه و بلاغی آن تسلط دارد و همچنین شاعر در کاربرد استعاری فعل «دمیدن» علاقه خاصی از خود نشان می‌دهد که بیشتر این افعال یا ساده و یا پیشوندی هستند. در نهایت، اکثر حروف مورد استفاده امین‌پور نیز، جنبه‌ای عمومی و شاعرانه در گذشته دارند که شاعر برای برقراری صلابت و طنین گذشته در شعرش از آنها استفاده کرده‌است که از ساختمان واژگانی ساده و سپس مرکب برخوردارند. نکته مهم در باستان‌گرایی زبان شعری امین‌پور، این است که تمایل به کاربرد واژگان کهن حاکی از کنش آگاهانه و عامدانه از طرف شاعر است؛ زیرا امین‌پور برای تصویر اندیشه‌های ادبیات پایداری و آفرینش زبانی صریح و کوبنده به همراه لحن و فضایی حماسی و باشکوه نیازمند استفاده از عظمت و فخامت عناصر و کلمات گذشته است و این احساس و جهان‌بینی شاعر است که سبب‌ساز این گونه باستان‌گرایی و در نتیجه ناآشناساختن کلام او شده‌است. زبان شعر امین‌پور در این گونه اشعارش، زبانی است با جمله‌بندی سالم و دستورمند و ساده و صمیمی که در غالب موارد جنبه روایی و توضیحی دارد تا توصیفی، و در خدمت اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او قرار می‌گیرد.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

- ۱- امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۰). **مجموعه کامل اشعار**. چاپ هفتم. تهران: مروارید.
- ۲- باقری، سعید. (۱۳۷۹). **شعر امروز**. قم: نشر المهدی.
- ۳- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۵). **سبک‌شناسی**. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴- پورجافی، علی‌حسین. (۱۳۸۷). **جریان‌های شعری معاصر از کودتا تا انقلاب**. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

۵- داد، سیما. (۱۳۷۵). **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. چاپ دوم. تهران: مروارید.

۶- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۸). **نگاهی تازه به بدیع**. تهران: نشر فردوس.

۷- شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۴). **موسیقی شعر**. چاپ دهم. تهران: آگاه.

۸- صفوی، کورش. (۱۳۷۳). **از زبان‌شناسی به ادبیات**. تهران: نشر چشمه.

۹- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). **شناخت ادبیات انقلاب اسلامی**. تهران: بنیاد حفظ آثار و حفظ ارزش‌های دفاع مقدس.

۱۰- علی‌پور، مصطفی. (۱۳۷۸). **ساختار زبان شعر امروز**. تهران: فردوس.

۱۱- محمدی‌روزبهبانی، محبوبه. (۱۳۸۹). «**قسم به نخل، قسم به زیتون**» (بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های اسلامی.

۱۲- یوشیج، نیما. (۱۳۶۳). **حرف‌های همسایه**. چاپ پنجم. تهران: دینا.

ب. مقاله‌ها

۱- احمدپور، علی. (۱۳۸۷). «**زبان و کاربردهای باستان‌گرایانه در اشعار مهدی**

اخوان ثالث». نشریه ادبیات فارسی. دوره پنجم. شماره ۱۹. صص ۸۷-۹۸.

۲- بهمنی‌مطلق، یدالله و رهایی، اسماعیل. (۱۳۹۰). «**رویکردی صورت‌گرایانه بر شعر**

قیصر از منظر هنجارگریزی». نشریه زبان و ادبیات فارسی. دوره ۱۹. شماره ۷۱ (پیاپی ۱۶).

صص ۷-۲۸.

۳- صهبا، فروغ. (۱۳۸۴). «**کهن‌گرایی واژگانی در شعر اخوان**». فصلنامه پژوهش زبان و

ادبیات فارسی. دوره جدید. شماره ۵. صص ۴۱-۶۴.

۴- عالی، یوسف. (۱۳۸۷). «غم غربت در شعر معاصر». نشریه علمی پژوهشی گوهر گویا. سال دوم. شماره ششم. صص ۱۸۰-۱۵۶.

۵- محمدنژاد عالی زمینی، یوسف. (۱۳۹۰). «باستان‌گرایی واژگانی در شعرهای آزاد نیما و خاستگاه‌های آن». نشریه ادبیات پارسی معاصر. دوره ۱. شماره ۲ (پیاپی ۲). صص ۸۹-۱۱۴.

۶- مدرسی، فاطمه و احمدوند، غلامحسین. (۱۳۸۴). «بازتاب باستان‌گرایی در اشعار نیمایی اخوان». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان. شماره ۴۱. صص ۷۲-۴۵.

پایان نامه‌ها

۱- کلاهچیان، فاطمه. (۱۳۸۶). «نوستالژی دلتنگی برای گذشته در شعر کلاسیک عرفانی». پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه تربیت معلم تهران.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني